کد خبر: ۲۹۴۵۵۳
دوشنبه ۶ مهر ۱۴۰۵ ۱۱:۵۲

گزارش رصد فرهنگی (۱۰۴)

رصد رویکردهای شبکه‌های اجتماعی به مستند ترانه علیدوستی: گزارشی وضعیت‌محور

دیگر گزارش رصد فرهنگی به واکنش‌های مستند ترانه علیدوستی در دی۱۴۰۴ از سوی سه حریان اصلی پرداخته است که این گزارش در بهمن۱۴۰۴ در مرکز رصد فرهنگی منتشر شده است.

انتشار مستند ترانه به کارگردانی پگاه آهنگرانی در ۲۳ دسامبر ۲۰۲۵ (۲ دی ۱۴۰۴) از شبکه بی‌بی‌سی فارسی، فراتر از روایت فردی ترانه علیدوستی، به‌مثابه رویدادی تشخیصی در فضای فرهنگی‌سیاسی معاصر ایران عمل کرد و شکاف‌های گفتمانی پسا رخداد ۱۴۰۱ را برجسته ساخت. این مستند که در قالب گفت‌وگویی مینی‌مان و بی‌پرده در فضایی خانگی شکل‌گرفته، نه‌تنها تحول هویتی علیدوستی را صورت‌بندی می‌کند، بلکه تلاقی و تنش میان آرشیوهای متضاد زندگی او را به نمایش می‌گذارد: از یک‌سو آرشیو موفقیت حرفه‌ای و سرمایه نمادین او در دهه ۱۳۹۰ و ازسوی‌دیگر پس از سال ۱۴۰۱، آرشیو بازداشت، بیماری خودایمنی و پیامدهای محدودکننده است و همین هم‌نشینی آرشیوهاست تا مستند را به متنی مناقشه‌برانگیز و محل رقابت روایت‌های سیاسی و فرهنگی بدل می‌کند.

این گذار سوژه‌ای در بستر تاریخی مناسب رخ داد: رخداد ۱۴۰۱، نه‌تنها حجاب اجباری را به بحث اصلی حوزه عمومی تبدیل کرده بود، بلکه اعتبار نمادین سلبریتی‌ها را در میدان کنش سیاسی آزمایش نمود. ترانه علیدوستی-زنی ۴۲ ساله با حدود ۳۰ سال حضور عمومی-از موقعیت امن مصرف فرهنگی (ستاره‌ای که همه او را می‌شناسند) به موقعیت پُر ریسک تولیدکننده گفتمان (کشف حجاب عمومی، با زبان بدن مقتدر که به memeشده) منتقل شد. هزینه‌های مادی و جسمانی این گذار – بیماری خودایمنی ((DRESSبثورات شدید پوستی، از دست دادن حرفه، و زندان – روایت را از سانتیمانتالیسم صرف به شهادت‌نامه‌ای واقع‌گرایانه ارتقا داد.

پیچیدگی مناقشه‌انگیز مستند ترانه علیدوستی، در تلاقی آرشیوهای متضاد علیدوستی نهفته است. از یک‌سو، آرشیو دهه ۹۰ او را سوژه‌ای اصلاح‌طلب نشان می‌دهد: دفاع علنی از رأی‌دهی ۱۳۹۶ریاست جمهوری (در پویش «به روحانی رأی می‌دهم، به‌خاطر برجام و تورم تک‌رقمی») و حمایت از صندوق آرا در دورانی که اعتماد عمومی هنوز پابرجا بود. از سوی‌دیگر، آرشیو ۱۴۰۱ تصویری متضاد ارائه می‌دهد: کشف حجاب در واشنگتن، حمایت صریح از رخداد زن، زندگی، آزادی، امتناع از بازگشت به حجاب حتی در موقعیت‌های حرفه‌ای. این تناقض آرشیوی-طرفدار انتخابات دیروز در برابر معترض امروز-مستند را به میدان نبرد روایت‌های رقابتی تبدیل کرد، جایی که هر گروه سیاسی از گذشته/حال ترانه برای مشروعیت‌بخشی به موضع خود بهره می‌برد.

جایگاه راهبردی این مستند در فضای پسا رخداد ۱۴۰۱ نیز قابل‌تأمل است. پس از فروکش خیزش ۱۴۰۱ و تشدید بحران‌های اقتصادی‌سیاسی (تورم ۴۵%، اعتراضات معیشتی)، اعتبار نمادین سلبریتی‌های معترض به ابزار حیاتی حافظه جمعی تبدیل‌شده است. ترانه علیدوستی-با ۳۵ میلیون دنبال‌کنندهٔ تجمیعی در پلتفرم‌ها-نه‌تنها نماد بصری مقتدر باپوست آسیب‌دیده را ارائه می‌دهد، بلکه روایت ممتد از پیوستگی کنش‌ها فراهم می‌آورد. استقبال میلیونی با (۲۵میلیون بازدید در ۴۸ ساعت) و ترند شدن #ترانه_علیدوستی در ایکس/اینستاگرام، گواهی است بر نیاز مبرم به سوژه‌های انسانی ملموس در فضای دیجیتال پسا رخداد ۱۴۰۱.

سؤال محوری پژوهش حاضر از همین پیچیدگی تشخیصی برمی‌خیزد: چگونه سوژه مشهور معترض-در تلاقی آرشیوهای متعارض گذشته و کنش کنونی-میدان نبرد روایت‌های ایدئولوژیک را شکل می‌دهد؟ چه الگوهای گفتمانی در واکنش‌های دیجیتال (ایکس: ۶۰% گفتمانی، اینستاگرام: ۴۰% بصری) نمایان می‌شود؟ و چگونه این موقعیت امکان‌سنجی تحلیل جامعه‌شناختی مکانیزم‌های مشروعیت‌بخشی/تخریب در فضای پسا رخداد ۱۴۰۱ را فراهم می‌آورد؟

پخش مستند ترانه علیدوستی، در دی ۱۴۰۴ (دسامبر ۲۰۲۵)، موقعیتی منحصربه‌فرد در فضای فرهنگی و سیاسی ایران ایجاد کرد و واکنش گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی (یوتیوب، اینستاگرام، ایکس) به‌دنبال داشت. این مستند، گذار علیدوستی از یک سوژه بازیگر مشهور به سوژه معترض پس از رخداد ۱۴۰۱ را به تصویر می‌کشد و درعین‌حال تلاقی آرشیوهای متضاد گذشته و حال، ازجمله فعالیت‌های حرفه‌ای و اقتصادی گذشته در برابر تجربه اعتراض و رنج جسمانی پس از ۱۴۰۱ او را نشان می‌دهد.

واکنش‌ها به مستند از سوی سه جریان اصلی تحلیل شد:

اردوگاه سلطنت‌طلب: نقدها محدود به تاریخچه زندگی و بازیگری ترانه علیدوستی بود و بیشترین نقدها به او به اتهام همدستی ترانه علیدوستی با حکومت و جبهه اصلاحات بود.
حزب‌اللهی: نقدها محدود، تکرارشونده و پیش‌فرض‌محور بود و بیشتر برگذشته ترانه علیدوستی متمرکز شد. این اردوگاه مستند را به‌مثابه سندی برای تأیید پیش‌داوری‌های خود خواندند و فضای معنا را بدون امکان خوانش همدلانه یا تحلیلی محدود کردند.
اردوگاه منتقدان مستقل از دو قطب غالب؛ واکنش‌های متکثر و شامل دو استراتژی اصلی بود:

دفاع واکنشی/سلبی، برای پاسخ به حملات اردوگاه‌های رقیب و مشروعیت‌بخشی به‌حق اعتراض علیدوستی؛
دفاع ایجابی/بازتعریفی، که نقش او را به‌عنوان محور بازنده‌سازی رخداد ۱۴۰۱ برجسته می‌کند.

این رویکرد انتقادی بر سه محور کلیدی استوار بود:

تقارن‌سازی انتقادات: نشان دادن اینکه معیارهای حذف یا نقد اخلاقی اردوگاه‌های رقیب دامنه‌ای فراتر از یک فرد را شامل می‌شود؛
اثرگذاری اجتماعی و حافظه جمعی: استفاده از آمار بازدید و هشتگ‌ها (#زن_زندگی_آزادی) برای مشروعیت‌بخشی به روایت انتقادی و تثبیت نقش علیدوستی در حافظه جمعی پسا رخداد ۱۴۰۱؛
بازنمایی انسانی و تجربه درد: برجسته کردن هزینه‌های جسمانی و روانی اعتراض به منظور ایجاد همدلی و تثبیت مشروعیت اخلاقی و گفتمانی.

نتیجه کلیدی این پژوهش نشان می‌دهد که ترانه علیدوستی در اردوگاه منتقدانِ مستقل از دو قطب غالب نه‌تنها یک بازیگر یا سوژه معترض، بلکه نماد و کانون حافظه جمعی پسا رخداد ۱۴۰۱ شده است؛ نقشی که امکان شکل‌گیری روایت‌های جایگزین و مقاوم در برابر روایت‌های سلطنت‌طلبانِ و حزب‌اللهی را فراهم می‌آورد.

درعین‌حال، تحلیل واکنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی، ابعاد راهبردی، نمادین و انسانی حضور سوژه مشهور در میدان پسا رخداد را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که تثبیت روایت، اثرگذاری اجتماعی و مشروعیت اخلاقی سوژه، به‌عنوان ابزارهای کلیدی در مدیریت گفتمان دیجیتال و فرهنگی عمل می‌کنند.

پیام مدیریتی:

رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی باید توان تحلیل و مدیریت گفتمان‌های دیجیتال متکثر را تقویت کنند؛
استفاده از سوژه‌های ملموس انسانی و برجسته‌سازی تجربه شخصی می‌تواند قدرت اثرگذاری اجتماعی و مشروعیت روایت را افزایش دهد؛
مدیریت محتوا و روایت‌های دیجیتال در فضای پسا رخداد ۱۴۰۱ نیازمند درک پیچیدگی تعامل میان گذشته و حال سوژه‌ها و ارتباط آن‌ها با حافظه جمعی و مخاطب است.